

بررسی کنش‌های فراگفتاری در دو نوع متفاوت از فرامین قرآنی و شیوه برخورد مترجمان انگلیسی با آن^۱

سید علی‌اصغر سلطانی^{۱*}، مهدی مقدسی نیا^۲

۱- دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه قم، ایران

دریافت: ۹۵/۱/۱۲ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۰

چکیده

این پژوهش در صدد تبیین تفاوت در استفاده معناشناسانه و کاربردشناسانه، بین دو دسته متفاوت از فرامین، در قرآن است: فرامینی که وجه امری دارد و فرامینی که وجه خبری دارد. این تحقیق توصیفی- تحلیلی، می‌کوشد با استفاده از نظریات زبان‌شناسی کاربردی و تحلیل گفتمان، به بررسی بافتی پردازد که این دو دسته از فرامین در آن به کار رفته‌اند. نتایج این تحقیق که پیکره زبانی آن، آیات قرآنی است، نشان می‌دهد که از جملات و پاره‌گفتارهای امری و خبری برای صدور فرمان استفاده شده است؛ ولی به کارگیری هر کدام، استنباط خاصی را به دنبال دارد. اگر اشکال امری مربوط به دستورات فوری و شخصی باشد درنتیجه، کاربرد آن بیشتر در گفتوگوهای بینافردی دیده می‌شود. شکل‌های خبری هنگامی استفاده می‌شود که گوینده قصد القای فرامینی را دارد که فاقد فوریت یا بعد شخصی است. ضمناً به کارگیری شکل‌های خبری برای بیان فرامین، نشان از اطمینان خاطر و دانشی دارد که گوینده نسبت به اجرای فرامین خویش دارد. درنتیجه، جملات خبری غالباً در بافت‌هایی دیده می‌شود که گوینده عالی مقام در صدد القای دستورات خویش است. بازخورد این موضوع در ترجمه نشان می‌دهد در دستوراتی- با ساختار خبری- مترجمان رویه‌های متفاوت داشته‌اند. در آن جایی که آیات، مربوط به احکام خاص فقهی است یا برخی از موارد نیز مفهوم فرمان و دستور آشکار است، از افعال کمکی مانند *shall* استفاده شده است. در برخی از موارد نیز مفهوم فرمانی و دستوری از دید مترجمان پنهان مانده است.

واژگان کلیدی: وجه خبری، وجه امری، زبان‌شناسی قرآن، کنش‌های گفتاری، ترجمه قرآن

Email: aasultani@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:

۱- مقدمه

مفهوم دستوری وجهیت^۲ در کنار مقولات دیگری مانند زمان، شمار، حالت و غیره، یکی از ویژگی‌های افعال است که نشان می‌دهد گوینده در ارتباط با مخاطب خود نسبت به آن‌چه می‌گوید چه زاویه دیدی را اتخاذ کرده است. درواقع، وجه، نگرش گوینده به آن‌چه بیان می‌شود را نشان می‌دهد (Bussmann, 1996). اگر گوینده، خبری بخواهد بدهد از وجه خبری^۳، اگر دستوری بخواهد بدهد از وجه امری^۴ و اگر درباره وضعیتی فرضی و غیرواقعی بخواهد صحبت کند از وجه التزامی^۵ صحبت خواهد کرد. البته انواع وجه‌ها در زبان‌های مختلف متفاوت است.

موضوع اصلی این تحقیق، فرمان‌ها و دستورات قرآنی است که پایه فقه و به‌طورکلی تعاملات انسانی و اجتماعی مسلمانان قرارگرفته است. به‌طورمعمول انتظار می‌رود فرمان‌های قرآنی‌ای که مبنای قانون‌گذاری قرارگرفته‌اند به شکل امری بیان شوند. اما به‌واقع چنین نیست؛ زیرا در قرآن از وجه خبری نیز برای ارائه فرمان‌ها استفاده مکرر شده است. در این پژوهش، دغدغه نگارندگان پاسخ به این پرسش است که چرا در برخی آیات قرآنی، برای القای دستورات از شکل امری و در برخی دیگر از آیات به‌همین منظور از شکل خبری استفاده شده است؟ آیا استفاده از هرکدام از این شکل‌ها، باعث به‌وجود آمدن استنباطی خاص می‌گردد؟ بازخورد این موضوع در ترجمه، به چه شکل می‌تواند باشد؟ بهترین روش، برای بررسی این پرسش‌ها، نظریه کنش گفتاری است. این نظریه در ابتدا توسط جان آستین، فیلسوف انگلیسی معرفی شد (Austin, 1962) و سپس به شکل عمدہ‌ای توسط جان سرل، فیلسوف آمریکایی بسط پیدا کرد (Searle, 1969). به‌طورکلی آستین معتقد است، از ما هنگام استفاده از زبان در حقیقت کارهایی را انجام می‌دهیم. این کارها شامل خبر دادن، دستور دادن، اعلان کردن، عذرخواهی کردن، تهدید کردن و مانند آن است. در دستور سنتی، ارتباط مستقیمی بین خبر، پرسش، امر و غیره و شکل صرفی فعل وجود دارد؛ از این‌رو تبیین این‌که از شکل خبری، کارکردهای دیگری منظور شود

مشکل است. اما در نظریه کنش‌های گفتاری این ارتباط بین شکل صرفی فعل و کنشی که از آن گزاره منظور می‌شود لزوماً ارتباط مستقیمی وجود ندارد. از این‌رو می‌تواند در راستای هدف این پژوهش به کار گرفته شود. در این مقاله، بعد از بررسی مفهوم کنش‌های گفتاری و انواع آن، نویسنده‌گان بر آن شدند تا دلیل استفاده از هر کدام از این شکل‌ها را به کنکاش بگذارند.

۲- پیشینه تحقیق

پیشینه این تحقیق را می‌توان در چند بخش اصلی سامان داد. ابتدا به بررسی‌های سنتی‌ای که علمای اصول فقه در خصوص ساختار وجوه فعل انجام داده‌اند، اشاره‌ای خواهد شد. سپس، به برخی از پژوهش‌ها اشاره خواهد شد که سعی کرده‌اند از نظریه کنش‌های گفتار در پژوهش‌های معطوف به متون دینی بهره گیرند.

۲-۱- نگاه قدمای دو نوع متفاوت از فرامین

یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که دانشمندان مسلمان اعم از زبان‌دانان، شاعران و نویسنده‌گان به آن توجه داشته‌اند، قرآن‌کریم است که دلیل آن را نیز باید در اسرار زبانی، بلاغی و ادبی این کتاب جستجو کرد. شماری از علمای فقه‌اللغه و بلاغت در تأملات خویش در آیات قرآن با دیده تأمل به بسیاری از الفاظ و ساختارهایی می‌نگریستند که به جای همدیگر در قرآن به کار می‌رفت و در آن برخلاف مقتضای ظاهر عمل می‌شود و مقتضای حال متکلم و مخاطب یا دیگر عوامل مدنظر قرار می‌گرفت. کتاب‌های بسیاری درباره این موضوع به رشته نگارش درآمد که از آن جمله، می‌توان به کتاب ابن‌فارس (۱۹۶۳) اشاره کرد که در آن به مسئله خروج فعل از معنای حقیقی‌اش پرداخته و تأکید می‌شود که شواهد و قرائن می‌تواند ما را به سمت این موضوع رهنمون باشد. ابن‌جنی (۱۹۵۴: ۳۱۷) معتقد است که در

قرآن برخی عبارات امری وجود دارد که دلالت بر خبر می‌کنند و برخی عبارات خبری وجود دارند که دلالت بر امر می‌کنند.

علمای علم اصول، اولین دسته از دانشمندانی بودند که در زمینه‌ی برداشت مفهوم امر و نهی از جملات خبری نظریه‌پردازی کردند. برخی از علمای اصول، اعتقاد داشتند جملات خبری می‌توانند برای القای امر به کار روند. در این گروه افرادی، همچون ابن حزم (۱۹۸۰) جای می‌گیرند. وی به این نکته اشاره می‌کند که گهگاه برای القای مفهوم امر از صورت امری فعل و گاهی نیز از صورت‌های خبری استفاده می‌گردد (ابن حزم، ۱۹۸۰: ۳۳۳).

آن دسته از علمای اصول همچون زمخشری (۲۰۰۲: ۴۸۸)، زرکشی (۲۰۰۰: ۱۰۵) و سیوطی (۱۹۹۴: ۴۶۷) که قائل به چنین پدیده زبانی بودند، برای این که ثابت کنند که این جمله خبری، الفاکنده یک دستور است به برخی نشانه‌های زبانی اشاره می‌کردند. به عنوان نمونه، زمخشری (۲۰۰۲: ۹۹) هنگامی که به عبارت ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَجَاهِدُونَ﴾ (صف/۱۱) می‌رسد، به فعل «یغفر» اشاره می‌کند که در ابتدای آیه ۱۲ و به صورت مجزوم آمده است و آن را به عنوان جواب آیه ۱۱ می‌داند. او برای اثبات این موضوع، به قرائت ابن مسعود اشاره می‌کند و می‌گوید که وی این آیه را به صورت ﴿آمِنُوا بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَجَاهِدُوا﴾ می‌خواند.

برخی از علمای اصول نیز قائل به کارکرد ساختار خبری برای القای دستور و فرمان نبودند و اعتقاد داشتند که باید حمل بر اصل کرد. از جمله این افراد می‌توان به کفوی (۱۹۹۸: ۴۱۸ – ۹۰۴)، شوکانی (۲۰۰۷: ۳۰۵) و قرطبي (۱۹۹۹: ۸۸) اشاره کرد.

به طور کل، دغدغه علمای اصول در برخورد با این پدیده زبانی این بود که آیا برداشت امر از جمله خبری قابل دریافت است؟ آن‌ها در تحلیل خود از به کارگیری جملات خبری برای القای دستورات شریعت بحث حقیقت و مجاز را پیش می‌کشیدند و سعی بر آن داشتند تا مسئله را از این زاویه بررسی نمایند. یکی از تحقیقاتی که به تفصیل، نگاه دانشمندان مسلمان نسبت به موضوع مذکور را معرفی کرده است و به اختلاف نظر آن‌ها

در این خصوص پرداخته، مقاله شاکر مجید (۲۰۰۸) است. وی ضمن برشمودن آراء دانشمندان مسلمان، رویکردی مشابه قدمای در بررسی این پدیده دارد.

زبان‌دانان مسلمان در هنگام بحث درباره دلیل به کارگیری جملات خبری برای القای فرامین شریعت، صرفاً به ذکر این نکته بسته می‌کردند که این پدیده دلالت بر وجود امثال و اطاعت از فرمان را دارد. (عطار، بی‌تا: ۱۱۸) عده‌ای دیگر علاوه بر موضوع ضروری بودن اطاعت از فرمان صادرشده به شکل خبر، بر لزوم سرعت در اجرا نیز تأکید داشتند (سیوطی، ۲۰۰۳: ۷۷؛ زمخشri، ۲۰۰۲: ۳۶۵؛ زركشی، ۱۹۵۷: ۳۵۱).

وجه تمایز این پژوهش با مطالعات گذشتگان در این است که نگارندگان با تکیه بر نظریات کاربردشناسی زبان - از جمله نظریه کنش‌های گفتاری - موضوع را بررسی کرده، بازنمود روابط قدرت را نیز به بحث گذارده‌اند؛ حال آن‌که اثری از این موضوع در آثار گذشتگان دیده نمی‌شود.

۲ - مطالعات کنش‌های گفتاری در حوزه متون دینی

از جمله پژوهش‌هایی که با تکیه بر نظریه کنش‌های گفتاری به سراغ متون دینی رفته است، مقاله ساجدی (۱۳۸۱) است. وی در پژوهش خویش به اهمیت نظریه کنش گفتاری جان آستین در فهم زبان قرآن اشاره کرده، به تبیین کاربرد کنش‌های گفتاری گزاره‌های دینی، چندبعدی بودن گزاره‌های اخباری در دین، اهمیت ویژه بعد احساسی در گزاره‌های دینی، اشتباہات برخی دین‌شناسان غربی در غفلت از بعد اخباری گزاره‌های دینی و سرانجام واقع‌نمایی گزاره‌های اخباری و انسایی دینی با تکیه بر دیدگاه آستین می‌پردازد؛ اما متأسفانه، ساجدی صرفاً به ارائه توضیحاتی کلی درباره نظریه کنش‌های گفتاری بسته کرده، در عمل چندان با استفاده از آن به مطالعه قرآن نمی‌پردازد.

بررسی کنش‌های گفتاری در زیارت‌نامه امام رضا [ع] نیز از دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در این عرصه است. پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹)، در پژوهشی براساس

نظریه کنش‌های گفتاری به بررسی متن شناختی این زیارت‌نامه پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که کنش عاطفی، بیشترین تعداد را در این متن به خود اختصاص داده است که حاکی از ایجاد ارتباط عمیق عاطفی بین گوینده و مخاطب زیارت‌نامه است. به عبارتی، گوینده متن، تلاش می‌کند احساساتی از قبیل ارادتمندی، قدردانی و دوستی خویش را به شکل کنش‌های گفتاری با مخاطب خویش به اشتراک بگذارد.

مقاله «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج‌البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری» نیز با هدف بررسی کنش‌های گفتاری در متون دینی انجام گرفته است. فضائلی و نگارش (۱۳۹۰) در این مقاله، با استفاده از ترکیبی از نظریه کنش‌های گفتاری آستین و سرل به بررسی خطبه ۵۱ می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که کشن گفتارهای اظهاری و ترغیبی به میزان زیاد و کشن گفتار عاطفی به میزان کمتری در این خطبه به کاربرده شده است. به‌نظر می‌رسد دلیل این امر موضوع جنگ در مقاله و ویژگی گفتمان جنگی باشد.

آخرین پژوهش قابل توجه در این راستا، در خارج از ایران صورت گرفته است. شولمن (۲۰۰۱) در پژوهش خود با عنوان «اشکال امری و دوم شخص در متن عبری کتاب مقدس» به بررسی متن کتاب مقدس (عهد عتیق) پرداخته، تحلیلی کاربردشناصانه از دستوراتی ارائه می‌دهد که در آن‌ها از فعل‌های امری و فعل‌های خبری دوم شخص استفاده شده است. شولمن با تکیه بر نظریه کنش گفتار به این نتیجه می‌رسد که استفاده از فعل امر یا فعل خبری دوم شخص با خود، منظور خاصی را به همراه دارد و در موقعیت‌های مختلف در زبان عبری از هر کدام استفاده می‌گردد.

بیشترین شباهت این پژوهش، با مقاله شولمن (۲۰۰۱) است و نگارندگان کوشیده‌اند تا با استفاده از همان روش، فرامین موجود در قرآن را - البته با توجه به ویژگی‌های خاص زبان عربی - مورد کنکاش قرار دهند و درنهایت بازخورد آن در ترجمه را بررسی کنند. تفاوت میان تحقیق پیش‌رو با دیگر تحقیقات انجام گرفته بر روی کنش‌های گفتاری

بررسی کنش‌های فراغفتاری در دو نوع متفاوت از فرامین قرآنی ... ————— سید علی اصغر سلطانی و مهدی مقدسی نیا

در ایران، اهمیت و توجه خاصی است که نگارندگان به مقوله کنش‌های فراغفتاری در قرآن مبذول داشته‌اند، موضوعی که در نوع خود شایسته تحقیق بوده است.

۳- نظریه کنش‌های گفتاری

این اندیشه که ارتباطات زبانی در حقیقت نوعی کنش است قدمتی طولانی دارد. افلاطون در رساله کراتیلوس خود، که در سال ۳۹۰ قبل از میلاد نوشته شده است، به این موضوع اشاره می‌کند. او معتقد است گفتار، نوعی کش است و کلمات، ابزارهایی هستند که به واسطه آن این کنش اتفاق می‌افتد. این نوع نگاه پیامدهایی مهم برای مطالعه زبان دارد.

کارل بولر (۱۸۷۹-۱۹۶۳)، روانشناس و زبان‌شناس آلمانی، با توجه به نظریه افلاطون، الگویی ارائه داد که در آن زبان به‌مثابه یک ابزار موسیقی، به نام ارغون، درنظر گرفته شده است. در این الگو، همان‌گونه که یک ساز موسیقی می‌تواند توسط کسی نواخته شود و مخاطبی داشته باشد؛ زبان نیز ابزاری است که به کارگیرنده و مخاطبی دارد. بنابراین، در هر کنش زبانی براساس نگرش بولر، کنشگر، ابزار و مخاطبی وجود دارد. نظریه بولر تأثیر زیادی بر نوع نگاه ما به زبان در حال حاضر داشته است. بعد از بولر کسان دیگری نیز به ارتباطات زبانی به‌مثابه کنش نگریسته‌اند. مهم‌ترین آن‌ها جان آستین، فیلسوف انگلیسی تبار است. نظریه کنش گفتاری را آستین (۱۹۱۱-۱۹۶۰) در کتابی تحت عنوان «چگونه کلمات کار انجام می‌دهند؟»، ارائه کرده است.

آستین معتقد است موقع صحبت کردن یا نوشتن ما کنش‌های مختلفی را انجام می‌دهیم: کنش بیانی^۶، کنش غیر بیانی^۷ و کنش فرا بیانی (کنش فراغفتاری)^۸. جمله «برو بیرون» را در نظر بگیرید. کنش بیانی، همان معنای ظاهری و دستوری جمله فوق است: یک جمله دستوری که از دو کلمه «برو» و «بیرون» ساخته شده است، «برو» فعل امر و «بیرون» قید مکان است. کنش غیر بیانی به نیت گوینده برمی‌گردد که در اینجا قصد دستور دادن به مخاطب یا مخاطبان جمله را دارد. کنش فرا بیانی (فراغفتاری)، به خود عملی که در جهان

خارج اتفاق می‌افتد اشاره دارد. در جمله فوق اگر مخاطب این دستور، به‌واقع ییرون برود عملی فرایانی (فراگفتاری) رویداده است.

۴- پیکره زبانی و روش تحقیق

در این تحقیق، نمونه‌های بررسی شده به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شوند. قسمت اول را آیاتی تشکیل می‌دهند که در آن‌ها از وجه امری برای القای دستور استفاده شده است که تعداد این آیات به ۵ مورد می‌رسد که به ترتیب شامل آیات ۶۷ سوره مائدہ، ۷۰ سوره احزاب، ۵ سوره مریم، ۹۷ سوره طه و ۲۸ سوره احزاب است.

قسمت دوم، اختصاص به آیاتی دارد که کنش بیانی آن‌ها خبری، ولی کنش منظوری آن‌ها، امری است. مفسران در مورد محتوای دستوری آیاتی که در این بخش مورد توجه قرار گرفته است، اتفاق نظر دارند. تعداد این آیات ۷ مورد است که شامل آیات ۳۰ سوره توبه، ۴ سوره بروج، ۲۲۸ سوره بقره، ۹۲ سوره نساء، ۷ سوره مریم، ۴۷ سوره یوسف و آیه ۱۱ سوره صاف است.

در بررسی آیات مذکور، ابتدا ضمن ذکر آیه و ترجمه آن، نگارنده‌گان می‌کوشند تا بافت آن آیه را بررسی و تحلیل کرده و در قالب آن، کنش‌های گفتاری و کنش‌های فراگفتاری وابسته به آن را نیز به بحث گذارند. در مرحله بعد، تلاش خواهد شد تا بازتاب این کنش‌های فراگفتاری مطالعه شود.

در مرحله آخر نوبت به موضوع ترجمه می‌رسد. ازان‌جایی که مترجمان در هنگام ترجمه فعل‌های امر، روشی یکسان داشته‌اند، این موضوع نادیده گرفته شده و تنها به آیاتی پرداخته شده است که کنش بیانی آن‌ها خبری؛ ولی کنش فرا بیانی (فراگفتاری شان)، امری است. برای سنجش بهتر ترجمه‌ها، در برخی موارد اگر عباراتی مشابه در دیگر کتاب‌های مقدس وجود دارد، به بحث گذارده می‌شود و مقایسه‌ای میان شکل ترجمه انگلیسی قرآن و شکل ترجمه انگلیسی کتاب‌های مقدس صورت می‌گیرد.

۵- کنش‌های گفتاری در فرمان‌های قرآنی

یکی از نمودهای بارز کنش‌های گفتاری در قرآن، فرمان‌هایی است که در این کتاب مقدس ذکر می‌شود. در برخی از این فرمان‌ها از امر مستقیم استفاده شده است؛ ولی در برخی دیگر جملات خبری برای القای این فرمان‌ها به کاررفته است.

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، اولین کسانی که به بحث در رابطه با این موضوع پرداختند، دانشمندان علم اصول بودند. آن‌ها می‌کوشیدند تا از متون دینی، احکام فقهی را استخراج کنند. به همین دلیل، برای آن‌ها مهم بود که بدانند آیا به‌غیراز افعالی با وجهیت امری، شکل دیگری از جملات برای القای فرمان‌های دینی وجود دارد یا خیر. باور دانشمندان علم اصول، این بود که امر در ذات خود دلالت بر فوریت یا عدم فوریت ندارد و اگر گوینده بخواهد فوریت آن را القا کند، باید قرینه‌ای را ذکر کند (قافی و شریعتی فرانی، ۱۳۸۸: ۱۲۵). این دانشمندان اعتقاد داشتند جملات خبری نیز می‌توانند کاربرد امری داشته باشد (قافی و شریعتی فرانی، بی‌تا: ۱۲۱ و ۱۲۲) ولی توجهی به تفاوت موجود میان دوگونه القای فرمان‌ها در امر نداشتند.

در ذیل، تفاوت‌هایی که میان دوگونه فرمان وجود دارد (آن‌هایی که با جملات امری بیان می‌شوند و آن‌هایی که با تکیه بر جملات خبری عنوان می‌گردند) تعیین می‌گردد. نکته مهم در این بخش، بررسی موضوع کنش‌های بیانی و نیز کنش‌های فراگفتاری فرمان‌های صادره در قرآن است.

۱-۱- استفاده از جملات یا پاره‌گفتارهای امری

۱-۱-۱- فوریت زایی (زمان زایی)

خداآوند در آیه ۶۷ سوره مائدہ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلَّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغَتِ رسالَتِه﴾ (ای پیامبر آن‌چه از جانب پروردگارت به‌سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای).

این آیه در شرایطی نازل می‌شود که افراد در منطقه غدیر خم جمع شده‌اند و حضرت پیامبر [ص] مکلف است که پیام خاص خداوند درباره ولایت حضرت علی [ع] را به اطلاع حضار برساند (سیوطی، ۲۰۰۳: ۳۸۳). اگر پیامبر [ص] در آن موقعیت زمانی و مکانی خاص که تعداد زیادی از افراد گرد هم آمده بودند، در ابلاغ پیام خداوندی تعلل می‌ورزید، فرصت لازم از دست می‌رفت.

با توجه به این آیه و بافت مرتبط با آن، به این نکته پی می‌بریم که کنش بیانی در اینجا صرفاً طرح یک خواسته است؛ ولی در بعد فراگفتاری یا تأثیری خودش این گزاره، نوعی تأکید بر زمان‌دار بودن و فوریت زابودن دارد یعنی اگر بعد فراگفتاری یا تأثیری این کنش مدنظر قرار نمی‌گرفت، به‌طور کل، هدفی که در صدور این دستور وجود داشت، از بین می‌رفت.

یکی از مهم‌ترین اهدافی که در استفاده از وجه امری استفاده می‌شود، ایجاد فوریت است. (Drumwright, 1980: 130) به عبارت دیگر، اگر فردی خواسته خویش را به صورت امر بیان می‌کند، درواقع به‌دنبال تحقق فوری آن است. به همین ترتیب، اگر از وجه امری برای القای دستوری استفاده شود، مخاطب می‌داند که در همان لحظه و به‌شکلی فوری باید آن را به انجام برساند؛ زیرا در غیر این صورت ممکن است ضرورت انجام فعل مشخص در زمانی دیگر از بین برود. به عنوان نمونه، معلم به دانش‌آموز می‌گوید: «از کلاس خارج شو». در این جمله، خارج شدن از کلاس باید در یک بازه زمانی خاص صورت گیرد. یعنی، دستور داده شده از سوی معلم، شرطی زمانی نیز دارد که اگر این شرط زمانی از بین برود، دیگر ضرورت انجام دستور از بین می‌رود. به عبارت دیگر، فرمان معلم باید در همان دقیقه انجام شود و اگر این موضوع صورت نپذیرد، دیگر ضرورتی برای انجام آن در وقتی دیگر نیست.

این قاعده (فوریت‌زایی) در بسیاری از آیات که مربوط به مبانی اسلام هستند، قابل مشاهده است. منظور از این آیات، همان‌هایی است که پذیرش آن‌ها پیش‌زمینه پذیرش

بررسی کنش‌های فراگفتاری در دو نوع متفاوت از فرامین قرآنی ... ————— سید علی اصغر سلطانی و مهدی مقدسی نیا

دیگر دستورات الهی است. به عنوان نمونه، تقوا داشتن و خداترس بودن، مقدمه‌ای برای پذیرش دیگر دستورات خداوند است. در اینجا می‌توان به آیه ۷۰ سوره احزاب اشاره کرد که در آن حضرت باری تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا افْتَوُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا دارید و سخنی استوار گویید).

این آیه چنین القا می‌کند که پیش‌زمینه راست گویی، تقوای الهی است و اگر در تحقق آن فوریت لحظ نشود، نمی‌توان امیدی به تحقق دیگر مسائلی که تابعی از آن محسوب می‌شوند، داشت.

پس می‌توان گفت که افعال، با وجه امری در خود، مفهوم فوریت دارند و چنین چند فعل امر، ترتیب فوریتشان را نشان می‌دهد. در قرآن، مفاهیم پایه‌ای، همچون تقوا و موارد دیگر با فعل امر بیان شده است تا فوریت آن‌ها مشخص شده، نشان داده شود که پایه هر کار خیر و خوبی، اعتقاد داشتن به این مفاهیم پایه‌ای و ضرورت انجام دادن آن است.

۲-۱-۵- تردیدزایی

صدور فرمان به‌شکل فعل امر می‌تواند با خود تردید را نیز به‌همراه داشته باشد. فردی که دستور را به‌شکل امر مستقیم بیان می‌کند، ممکن است نسبت به انجام آن تردید داشته باشد. این تردید ویژه مواردی است که در آن فرد، در موقعیت پایین اجتماعی و ارزشی از مخاطبی با موقعیت بالای اجتماعی و ارزشی، چیزی را درخواست می‌کند. در چنین موقعیتی، مخاطب می‌تواند امر صادرشده را نپذیرد. به عنوان نمونه به آیه ۵ سوره مریم نگاه کنید: ﴿وَإِنِّي حَفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتْ اهْرَأْتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَذْنَكَ وَلِيًّا﴾ (و من پس از خویشتن از بستگانم بیمناکم و زنم نازاست پس از جانب خود ولی [و جانشینی] به من ببخش)

در اینجا ذکریا از خداوند متعال می‌خواهد تا وصی و جانشینی برای او قرار دهد؛ ولی اطمینانی از انجام این درخواست از سوی خداوند ندارد. به دیگر سخن، استفاده از فعل امر در حالتی که رابطه از پایین به بالا است، تردید به وجود می‌آورد.

کنش بیانی این عبارت، دلالت بر یک دستور است؛ ولی کنش فرابیانی (کنش فراگفتاری) آن به این شکل نیست؛ یعنی این که ذکریا می‌داند که خداوند قدرت مطلق است و آن‌چه بیان می‌کند، صرفاً به صورت یک درخواست و تمبا به شمار می‌آید و طرف مقابل که از قدرت برخوردار است، توانایی رد یا قبول این درخواست را دارد. در کتاب‌های علم اصول نیز آمده است که در دستورات انسانی که مخاطب آن خداست، اجبار و الزامی وجود ندارد. به عبارتی، امر با خود تردیدزایی را به دنبال دارد.

۱-۳-۵- مخاطب زایی

یکی از کاربردهای امر مستقیم، تعیین مخاطب است. در حقیقت، این نوع فعل امر شخص خاصی را مشخص می‌کند و فرد دیگری در این حیطه جای نمی‌گیرد. به عنوان نمونه، وقتی به آیه ۹۷ سوره طه **﴿قَالَ فَادْهِبْ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسٌ﴾** (برو که بهره تو در زندگی این باشد که به هر که نزدیک تو آمد بگویی به من دست مزنید) می‌رسیم، روی سخن با شخص سامری است و فرد دیگری در این میان مطرح نیست. به دیگر سخن، کسانی که فریب سخنان او را خورده‌اند، جزء گروهی که باید از موسی و یارانش جدا شوند، نیستند.

همچنین، به آیه ۲۸ سوره احزاب توجه کنید: **﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَا زُواجٍ كَإِنْ كُنْتُنَّ ۝ ۹۷ ۝ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِيَّتَهَا فَتَعَالَى إِنْ تَعْكُنَ وَ أَسْرِحُكُنَّ سَرَاحًا جَوِيلًا﴾** (ای پیامبر به همسرانت بگو اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید بیایید تا مهرتان را بدهم و خوش و خرم شما را رها کنم).

در این آیه روی خطاب خداوند با شخص پیامبر [ص] است و به طور مستقیم ایشان را خطاب قرار داده، از آن حضرت می‌خواهد تا به زنان خود بگوید که در صورت طمع در حیات دنیا و زیبایی‌های آن، اجازه دارند تا به صورتی مناسب از ایشان جدا شوند. ضمناً این وظیفه بر عهده شخص دیگری نیست، بلکه خود پیامبر باید آن را به انجام برساند و فرد دیگری اجازه تذکر دادن به زنان رسول خدا را ندارد. در این راستا، لنگکر

بررسی کنش‌های فراغفتاری در دو نوع متفاوت از فرامین قرآنی ... سید علی اصغر سلطانی و مهدی مقدسی نیا

(Longacre, 2003: 119) می‌گوید فعل امر در روابط بینافردی روی می‌دهد و تعیین مخاطب، موضوعی ضروری تلقی می‌گردد.

۲-۵- استفاده از جملات یا پاره‌گفتارهای خبری

۲-۵-۱- جملات و افعال خبری ماضی

در آیه ۳۰ سوره توبه آمده است: ﴿فَاتَّهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ (خدا بکششان تا کجا از حقیقت انحراف یافته‌اند).

در اینجا فعل ماضی «قاتل» در معنای دعایی به کاررفته است. مشابه این موضوع را در آیه ۴ سوره بروم، آن‌جا که می‌فرماید: ﴿فُتِلَ أَضْحَابُ الْأَحْدُودِ﴾ (مرگ بر آدم‌سوزان خندق). در این‌جا نیز فعل ماضی در معنای امر (البته از نوع دعا) به کاررفته است. در این‌جا کنش بیانی این جملات خبری است؛ ولی کنش فراغفتاری (تأثیری) آن‌ها متفاوت است؛ یعنی از خداوند خواسته می‌شود تا این افراد را بکشد.

یکی از راه‌های بیان خواسته در زبان عربی استفاده از فعل ماضی است. این سنت هم در زبان عربی و هم در عبری دیده می‌شود. به اعتقاد وارن راثلین (arren-Rothlin, 2007) فعل ماضی در چنین موقعیت‌هایی برای رعایت ادب به کار می‌رود.

استفاده از این راهکار برای بیان خواسته، صرفاً مربوط به موقعیت دعایی است. در حالت، گوینده و شنوونده از موقعیتی برابر با هم‌دیگر برخوردار نیستند. درواقع، گوینده‌ای پایین‌دست، هنگام خطاب قرار دادن شنوونده‌ای بالادست از آن استفاده می‌کند. به این جمله دقت کنید: «رزقک الله طفلا». در این‌جا، به‌گفته بشیرجلول (۲۰۱۱) با جمله‌ای خبری رو به رو هستیم که فعل آن ماضی است، ولی در زبان عربی برای القای مفهوم درخواست از آن استفاده می‌گردد.

۵-۲-۲-۵- پاره‌گفتارهای خبری مفارع

۵-۲-۲-۱- فوریت‌زدایی (زمان‌زدایی)

به آیه ۲۲۸ سوره بقره نگاه کنید: ﴿وَالْمُطَلَّقُ أُتَّرَبَصَنِ إِنْفَسِهِنَ تَلَاقَهُ فُرُوهٌ﴾ (و زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند). همان‌طور که مشاهده می‌کنید کنش بیانی این عبارت، خبری است؛ یعنی این‌که از ظاهر عبارت چنین برمی‌آید که زنان مطلقه، مدت سه پاکی را انتظار می‌کشند؛ ولی کنش فraigفتاری آن، متناظر به این است که هر وقت زنی طلاق گرفت، این دستور اجرا می‌شود و برخلاف دستوراتی که با فعل امر بیان می‌شود و در حالت طبیعی تابع زمان است، دستور بیان شده وابستگی به زمان ندارد. به دیگر سخن، خداوند حکمی را می‌دهد که از زمان صدور تا همیشه لازم‌الاجرا است. ضمن آن‌که این حکم برای هر زمانی که طلاق صورت گیرد، لازم‌الاجراست.

با توجه به آن‌چه گذشت، یکی از عوامل مهم در استفاده از فعل و جمله خبری، فوریت‌زدایی است؛ یعنی، در این شکل برخلاف جملات و افعال امری، فوریت مطرح نیست و دستور به زمانی خاص محدود نمی‌گردد. به عنوان نمونه اگر قانونی یا حکمی صادر گردد، به صورت جمله خبری می‌آید تا مشمول زمان نشود (Wallace and Buist, 1981: 204-5).

ویلیامز (۹۸: ۲۰۰۵)، در کتاب خود به این موضوع اشاره می‌دارد و از افزایش روزافزون استفاده از ساختار خبری در تدوین قوانین صحبت می‌کند و می‌گوید در مقایسه با انواع دیگر جملات که در آن‌ها از وجهیت نمایهای مختلف استفاده می‌شود، به کارگیری ساختار خبری بیشتر است و این نوع ساختار، تقریباً جای دیگر موارد را می‌گیرد. وی در مورد فraigیری جملات خبری در متون حقوقی و قانونی معتقد است که استفاده از آن، برای حذف محدودیت‌های زمانی در آن است. اسپری (۲۰۰۳) نیز اعتقاد دارد که به کارگیری جمله خبری، آینده را مدنظر قرار می‌دهد.

۵-۲-۲-۲- مخاطب زدایی

به آیه ۹۲ سوره نساء توجه کنید: ﴿وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا حَطَّاً فَتَحْرِيرٌ رَّقْبَةٌ مُّؤْمِنَةٌ﴾ (هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت باید بنده مؤمنی را آزاد کند). در اینجا خطاب، عام است و تمامی کسانی را که به قتل غیر عمد دست بزنند، شامل می‌شود؛ یعنی هیچ‌چیزی در آن محدود نشده است. یکی دیگر از اهدافی که در استفاده از فعل و جمله خبری برای القای مفهوم امر استفاده می‌گردد، تعین زدایی در خصوص مخاطب است (Boyer، ۱۹۸۷: ۳۵ - ۵۴)؛ یعنی چون قانون شامل همه افراد می‌گردد دیگر مخاطب خاص مدنظر نیست و حال آن‌که جملات امری این مخاطب، مشخص است.

به عنوان نمونه وقتی می‌گوییم: «خانم یا آقای فلاانی برای رفع اشکال به اتاق شماره فلاان مراجعه کنند». یک مخاطب خاص مدنظر است؛ ولی وقتی در یک اطلاعیه می‌آید: «دانشجویان ارشد، ۵ ترم برای دفاع فرصت دارند». دیگر شخص خاصی مدنظر نیست و این خطاب، شکل عمومی به خود گرفته و از زمان صدور تا زمان لغو را در برمی‌گیرد. حدیثی به نقل از پیامبر اسلام [ص] نقل شده که در آن آمده است: «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» (طوسی، ۱۴۱۰، ص ۳۷۱) در اینجا فرد خاصی مدنظر نیست؛ بلکه یک طیف گسترده از افراد که بر آنها نام «مؤمن» اطلاق می‌گردد، است. شاید بتوان گفت که در استفاده از وجه خبری برای القای مفهوم امر، بیش از آن‌که مخاطب مهم باشد، خود همان دستور مهم است. به دیگر سخن، اهمیت ندارد که هویت دریافت‌کننده دستور چیست؛ بلکه آن چیزی که اهمیت می‌یابد، همان اجرای متن دستور است.

۵-۲-۲-۳- اطمینان گوینده به اجرای فرمان

در سوره مریم، خداوند ماجرای حضرت زکریا را ذکر می‌کند و می‌گوید که آن حضرت بعد از صحبت کردن درباره پیری خویش و نازابودن همسرش، از باری تعالی می‌خواهد تا فردی را به عنوان جانشین برایش انتخاب نماید. در آیه ۷ سوره مریم آمده است: ﴿يَا

زَكَرِيَا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلٍ سَمِيًّا (ای زکریا ما تو را به پسری که نامش یحیی است مژده می دهیم که قبل همنامی برای او قرار نداده ایم).

در اینجا حضرت زکریا و عده فرزنددار شدن را از خداوند دریافت می کند. باری تعالی در این آیه خبر از به دنیا آمدن کودک می دهد و سپس برای این که اراده خویش را برای نامگذاری به زکریا اعلام بدارد، می گوید «نام این فرزند یحیی است».

ظاهر عبارت «نام این فرزند یحیی است» خبری است؛ یعنی کنش بیانی آن نشانگر خبری بودن آن است؛ ولی کنش فرایانی (فراگفتاری) آن امری است. در این آیه، کنش فراگفتاری آن اطمینان نسبت به اجرای فرمان است و این که زکریا حق ندارد نام دیگری برای این فرزند انتخاب نماید. درواقع، در آیه فوق چون خداوند متعال از به دنیا آمدن فرزند اطمینان دارد و می داند که این اتفاق روی خواهد داد و از طرف دیگر، به این نکته آگاه است که دستورش از سوی مخاطب اجرا می شود، از این روش برای امر کردن استفاده می نماید.

یکی از عواملی که باعث می شود تا گوینده از ساختار خبری استفاده نماید، اطمینان نسبت به اتفاقی است که در آینده می افتد. گوینده نسبت به تحقق امر و فرمان خویش در آینده مطمئن است و به همین خاطر از جملات خبری استفاده می نماید. به عنوان نمونه، پدر به کودک خود می گوید: «به خانه آقای فلانی می روی و به او می گویی که پدرم منتظر شما است». در اینجا پدر به حدی از قدرت خویش آگاه است که خواسته خود را در حکم امری انجام شده، تلقی می کند و به صورت خبری از آن صحبت می نماید.

به آیه دیگری اشاره می کنیم. براساس آنچه در آیه ۴۷ سوره یوسف آمده، این پیامبر به اهالی مصر می گوید: ﴿تَرَعَّوْنَ سَبْعَ سِينَةَ دَأْبًا﴾ (هفت سال پی در پی می کارید) و از آنها می خواهد که هفت سال پرباران را کشت کنند. در این آیه، موضوع، به اتفاقی در آینده بازمی گردد. یوسف می گوید که هفت سال پرباران و هفت سال خشک در پیش است و با

توجه به آنکه می‌داند مصری‌ها در تفسیر خواب پادشاه خویش عاجزند و حرف‌های او را به خوبی گوش می‌دهند و از او راهنمایی می‌خواهند، از چنین راهکاری استفاده می‌نماید.

به آیه ۱۱ سوره صف نگاهی می‌کنیم: ﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَا أَقْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ دَلِيلُكُمْ حَيْثُ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (به خدا ایمان می‌آورید و در راه خدا با مال و جانتان می‌جنگید. این برای شما بهتر است، اگر بدانید).

در آیه پیشین یعنی در آیه ۱۰ سوره صف خداوند خطاب به افراد می‌گوید که «ای مؤمنان آیا می‌خواهید که شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب در دنای نجات می‌بخشد؟» در آیه ۱۱ توصیه‌ها بیان می‌گردد. آیه ۱۱ در نظر مفسران از جمله آلوسی، خبری است که دلالت بر امر دارد. در این آیه، خداوند متعال می‌داند که دستورش برای کسانی که ایمان دارند، لازم‌الاجرا تلقی می‌شود و به همین خاطر، از وجه خبری استفاده کرده است.

با توجه به آن‌چه گفته شد، شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که استفاده از جملات یا پاره‌گفتارهای خبری برای القای مفهوم امر، تنها در صورتی استفاده می‌شود که فرد از یک طرف قدرت بیشتر و از طرف دیگر آگاهی تام به وقوع امرش داشته باشد.

استورجیس (۲۰۱۳: ۳ - ۱۲) نیز، استفاده از شکل‌های خبری را الگویی خشن از فرمان دادن، بر می‌شمارد و می‌گوید به کارگیری این الگو زمانی جایز است که فرمان دهنده (گوینده) از موقعیت بسیار بالای اجتماعی همچون امپراتوری برخوردار باشد. وی معتقد است در حالتی که امپراتور به چیزی علاقه‌مند و خواهان موضوعی است، فقط کافی است که پیروان خود را از آن موضوع آگاه نماید تا به این ترتیب، فرمانش را به انجام برسانند. به عنوان نمونه می‌توان به این عبارت اشاره کرد: میل ملوکانه بر این امر قرار گرفته است.

به دیگر سخن، هیچ وقت متکلم فرودست از مخاطب فرادست خویش، چنین چیزی را نمی‌خواهد. مثلاً هیچ وقت بنده، هنگام درخواست کردن از خداوند از چنین راهکاری

استفاده نمی‌نماید؛ زیرا چنین کاری نشان‌دهنده اجبار و عدم اختیار است و به گفته براون و لوینسن (۱۹۸۷)، این مسئله می‌تواند وجهه شنونده را دچار لطمeh نماید.

۶- برخورد مترجمان با دو نوع فرمان

بررسی انجام شده، حکایت از آن دارد که در فرامین دسته اول که در آن از افعال امری استفاده گردیده است، مترجمان، رویکردی واحد دارند، اما رویکرد آن‌ها هنگام برخورد با فرامینی که ساختار خبری دارند، متفاوت است. برای بررسی نوع برخورد مترجمان انگلیسی با این موضوع، ترجمه چهار مترجم بر جسته به نام‌های قریب، شاکر، پیکتل و یوسف علی انتخاب شد. انتخاب ترجمه این افراد جهت بررسی، به آن جهت بود که از گسترش و شهرت فراوان‌تری نسبت به دیگر ترجمه‌ها برخوردار هستند.

۶-۱- ﴿فَاتَّهُمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤْفَكُونَ﴾ (توبه / ۳۰)

در این آیه مترجمان راهکارهای متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. قریب، آن را خبری ترجمه کرده است. شاکر در ترجمه آن از وجه تمایی استفاده کرده است. پیکتل نیز، ساختار خبری را ترجیح داده است. یوسف علی نیز وجه تمایی را ترجیح داده است.

Qarib: Allah fights them! How perverted are they!

Shakir: may Allah destroy them; how they are turned away!

Pickthall: Allah (Himself) fighteth against them. How perverse are they!

Yusufali: Allah's curse be on them: how they are deluded away from the Truth!

با مراجعه‌ای به وجه تمایی در زبان انگلیسی و به‌طور مشخص در بافت‌های دینی،

مشاهده می‌کنیم که آن‌ها از May استفاده می‌کنند و به عنوان نمونه می‌توان به عبارت May

مشاهده می‌کنیم که آن‌ها از خداوند درخواستی را داشته باشیم و بخواهیم

جنبه فرمانی و دستوری نداشته باشد؛ بلکه بعد تمایی به خود بگیرد از همین فرمول

استفاده می‌نماییم (Paul Portner, ۲۰۰۹: ۱۴۹).

٦-٢- ﴿ قُتِلَ أَصْحَابُ الْأَخْدُود﴾ (بrog / ٤)

در این آیه، قریب، ساختار خبری را برگزیده و همان ظاهر آیه را مورد توجه قرار داده است. پیکتال نیز، ساختار خبری را انتخاب کرده است. اما شاکر و یوسف علی، وجه تمنایی را برای این امر برگزیده‌اند.

Qarib: The companions of the pit were killed

Shakir: Cursed be the makers of the pit,

Pickthall: (Self-)destroyed were the owners of the ditch

Yusufali: Woe to the makers of the pit (of fire),

٦-٣- ﴿ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَرْبَضنَ بِأَنفُسِهِنَ تَلَاثَةٌ فُرُوعٌ﴾ (بقره / ٢٢٨)

در این آیه، چهار مترجم یعنی قریب، شاکر، پیکتال و یوسف علی، این جمله را با استفاده از فعل کمکی که دلالت بر اجباری بودن کنش است، ترجمه کرده‌اند. درواقع، آن‌ها به این نکته پی برده‌اند که در این جمله به هیچ‌وجه، کنش بیانی با کنش فرایانی (کنش فراغفتاری) آن هم خوانی ندارد و به دیگر سخن، وجهیت عینی^۹ (آن‌چه از ظاهر یک گزاره برداشت می‌شود) با وجهیت ذهنی^{۱۰} (آن‌چه در ذهن گوینده از بیان آن اراده می‌گردد)، تفاوت دارد و هم خوانی بین وجهیت عینی اش با وجهیت ذهنی اش دیده نمی‌شود. پس باید به گونه‌ای ترجمه شود که وجهیت ذهنی را بازخورد دهد. به ترجمه‌ها نگاه کنید:

Qarib: divorced women shall wait by themselves for three periods

Shakir: and the divorced women should keep themselves in waiting for three courses

Pickthall: women who are divorced shall wait, keeping themselves apart, three (monthly) courses

Yusufali: divorced women shall wait concerning themselves for three monthly periods

در ترجمه‌های بالا به جز شاکر که از should استفاده کرده، بقیه shall را انتخاب کرده‌اند. غالباً آن چیزی که در دستور زبان‌ها گفته می‌شود، این است که shall برای آینده به کار می‌رود (Head, ۱۸۵۸) و با توجه به همین موضوع shall برای این فرمان که برای لحظه نزول وحی و پس از آن - تا قیامت - صادر شده، بهتر است.

در ترجمه ده فرمان حضرت موسی (ع) به زبان انگلیسی نیز از shall استفاده شده است که احتمالاً می‌تواند مهر تأییدی برای این موضوع باشد. در متون حقوقی و قراردادها نیز از shall استفاده می‌شود. در این میان می‌توان پیشنهاد دیگری را نیز مطرح کرد که آن‌هم استفاده از must است که عالی‌ترین نوع اجبار را بیان می‌کند. درواقع، چون فرمان از جانب خدا است مترجم می‌تواند از این فعل کمکی نیز استفاده نماید.

۶-۴- ﴿قَالَ تَرْغُونَ سَعْيَنِي دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُبْلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ﴾
(یوسف / ۴۷)

در این آیه، هر چهار مترجم انگلیسی، یک روش را پیش‌گرفته‌اند و کلمه shall را به کار برده‌اند که البته می‌تواند القاکننده بایستگی برای پیش‌گرفتن راه حل نیز باشد.

Qarib: he replied: 'you shall sow for seven years as is your way

Shakir: he said: you shall sow for seven years continuously

Pickthall: he said: ye shall sow seven years as usual

Yusufali: (joseph) said: "for seven years shall ye diligently sow as is your wont

از آنجایی که داستان حضرت یوسف - در ابتدا - در کتاب تورات ذکر شده است، شاید مراجعه به این کتاب و بررسی شیوه مترجمان در برخورد با دیالوگ جاری میان این پیامبر الهی با پادشاه مصر، بتواند کارگشا باشد. وقتی به سفر پیدایش، باب ۴۱ و آیه ۳۵ از کتاب تورات نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که در آن‌جا، یوسف خطاب به فرعون و اهل مصر که از او راهنمایی می‌خواهند، چنین می‌گوید:

וַיַּקְבִּצוּ אֹתְهָ כָל הַשְׁנִים (باید جمع آوری کنند در این سال‌ها، تمامی غذا را)

فعل عربی به کاررفته در این قسمت، یعنی **וַיַּקְבִּצוּ** از حرف واو، یا مضارع، قبص (به معنای گرفتن و جمع کردن و هم‌معنای قبض) و «واو»، نشانه جمع، تشکیل شده است. این فعل که خبری است، همراه «واو» آمده است که البته این «واو» وقتی بر سر فعل مضارع بیاید، آن را به ماضی تبدیل می‌کند (Walker-Jones، ۲۰۰۳، ۵۰). در این‌جا ظاهر

فعل، خبری است؛ ولی مفهوم جمله در اصل فرمان دادن است و مترجمان تورات در ترجمه این آیه، از همان فعل کمکی *shall* استفاده کرده‌اند و چنین نوشته‌اند که باید آن‌ها در این سال‌ها غذا را جمع‌آوری کنند. این ترجمه می‌تواند مهر تأییدی بر ترجمه انگلیسی موجود از آیه قرآن نیز باشد.

٦-٥- ﴿يَا زَكَرِيَا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامِ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلٍ سَوِيًّا﴾ (مریم / ٧)

در ترجمه این آیه، سه مترجم از *shall* استفاده کرده و مفهوم فرمان را القا نموده‌اند. در این میان پیکتال، جمله را به همان صورت خبری ترجمه نموده و در القای این مفهوم به شکلی ناقص عمل کرده است. با توجه به توضیحاتی که در بالا گذشت، این جمله خبری، حکایت از یک فرمان دارد.

Qarib: 'o zachariah, we give you good tidings of a son, and he shall be called john (yahya

Shakir: o zakariya! surely we give you good news of a boy whose name shall be yahya

Pickthall: (it was said unto him): o zachariah! lo! we bring thee tidings of a son whose name is john

Yusufali: (his prayer was answered): o zakariya! we give thee good news of a son: his name shall be yahya

در انجیل لوقا و در هنگام ذکر ماجراهی ظهور فرشته خداوند بر زکریا و دادن وعده تولد فرزند، در متن یونانی از فعل خبری استفاده شده است، در ترجمه انگلیسی متن انجیل که در آیه ۱۳ از باب یکم به آن پرداخته شده، از همان فعل *shall* در ترجمه استفاده گردیده است. این نشانه تائید درک درست مترجمان انگلیسی قرآن است.

٦-٦- ﴿مَنْ قَاتَلَ مُؤْمِنًا حَطَّاً فَتَحْرِيزٌ رَّبَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ﴾ (نساء / ٩٢)

در ترجمه این آیه، مترجمان انگلیسی هر کدام راه خاصی را پیش گرفته‌اند که در دو مورد از فعل کمکی *should*، در یک مورد از فعل امر و در یک مورد از فعل کمکی *must* استفاده گردیده است. از آنجایی که فعل امر، دلالت بر فوریت دارد، استفاده از این گزینه

در ترجمه، احتمالاً مناسب نیست. در اینجا کلمه must می‌تواند کلمه مناسبی باشد؛ زیرا بر اجبار بیشتری دلالت می‌نماید.

Qarib: whosoever kills a believer in error, let him free a believing slave

Shakir: and whoever kills a believer by mistake, he should free a believing slave

Pickthall: he who hath killed a believer by mistake must set free a believing slave

Yusufali: if one (so) kills a believer, it is ordained that he should free a believing slave

همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد، یکی از راهکارها در ارزیابی ترجمه متون دینی، بررسی شیوه برخورد مترجمان با وضعیت مشابه است. برای همین منظور، به متن ده فرمان مراجعه می‌کنیم که در آن خداوند ده فرمان اساسی را برای هدایت قوم یهود، بیان کرده و این قوم باید خود را از زمان صدور فرامین تا ابد، ملزم به رعایت آن می‌دانستند. ده فرمان در باب ۲۰ سفر خروج و در باب پنجم سفر تثنیه می‌بینیم که در ترجمه دستورات و جمله فرامین از فعل shall استفاده شده است.

۶-۷- ﴿تُؤْمِنُنَّ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَفْوَالِكُمْ وَأَنْقُسِكُمْ ذَلِكُمْ حَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (صف/۱۱)

در ترجمه این آیه، یوسف علی ساختار خبری موجود در متن اصلی را به همان صورت منتقل کرده؛ ولی بقیه از کلماتی همچون shall و should بهره جسته‌اند.

Qarib: You shall believe in Allah and His Messenger and struggle for His Way with your possessions and yourselves. That is better for you, if you but knew.

Shakir: You shall believe in Allah and His Messenger, and struggle hard in Allah's way with your property and your lives; that is better for you, did you but know!

Pickthall: Ye should believe in Allah and His messenger, and should strive for the cause of Allah with your wealth and your lives. That is better for you, if ye did but know.

Yusufali: That ye believe in Allah and His Messenger, and that ye strive (your

بررسی کنش‌های فراگفتاری در دو نوع تفاوت از فرامین قرآنی ... ————— سید علی اصغر سلطانی و مهدی مقدسی نیا

utmost) in the Cause of Allah, with your property and your persons: That will be best for you, if ye but knew!

۷- نتیجه‌گیری

از آنجایی که در قرآن با دو نوع از فرمان‌ها روبرو هستیم که دسته‌ای از آن به صورت امر مستقیم (جملات امری) و امر غیرمستقیم (جملات خبری) است، این پرسش دغدغه اصلی نگارندگان بود که چه تفاوتی میان این دو نوع از فرمان‌ها وجود دارد.

نتایج نشان می‌داد که تفاوت این دو، در سه عامل مهم تقابلی «فوریت‌زایی و زمان‌زایی - فوریت‌زایی و زمان‌زایی»، «مخاطب‌زایی - مخاطب‌زایی» و «تردید‌زایی - تردیدزایی» است که وابسته به کنش‌های فرایانی گوینده است.

در جملات امری، گوینده در صدد القای یکی از این اهداف است: فوریت‌زایی، مخاطب‌زایی و تردید‌زایی. برخلاف آن‌چه در اصول فقه آمده است، گوینده به‌هنگام استفاده از امر می‌خواهد فوریت یا زمانی را برای خواسته خود ایجاد کند و اگر خلاف آن را اراده نماید، قیدی به جمله خود اضافه می‌کند. به دیگر سخن، امر افاده فوریت می‌کند و تابع زمانی را برای یک خواسته به وجود می‌آورد.

در استفاده جملات امری، تعیین مخاطب بسیار مهم است و گوینده در صدد تعیین آن برمی‌آید تا حیطه امر، مزهای دقیق‌تری به خود بگیرد. غالباً فعل‌های امری در روابط بینافردى استفاده می‌شوند.

در استفاده از فعل امر، تردید وجود دارد، به‌ویژه اگر رابطه گفتگو میان یک مقام پایین‌تر به عنوان گوینده و یک مقام بالاتر به عنوان مخاطب باشد. ضمناً استفاده از فعل امر در زبان عربی بین دو طرفی که هم‌تراز یا ناهم‌تراز باشند، روی می‌دهد و در زبان عربی مانعی در استفاده از آن، از سوی فروضت وجود ندارد.

جملات خبری برخلاف جملات امری، غالباً در بیان قوانین، مورداً استفاده قرار می‌گیرند، تا به‌این ترتیب، فوریت از بین برود و حالت تداوم در اجرای یک فرمان باقی

بماند. پس زمان‌زدایی و فوریت‌زدایی یکی از ویژگی‌هایی است که گوینده در هنگام بیان قوانین از آن سود می‌برد. در جملات خبری که برای القای مفهوم فرمان و امر به کار می‌رود، مخاطب زایی نیز صورت می‌گیرد و فرد خاصی مدنظر نیست. به دیگر سخن، هر کسی می‌تواند مشمول قانون باشد.

ضمناً فرمانی که به صورت جمله خبری بیان می‌شود، حکایت از یقین گوینده نسبت به تحقق خواسته‌اش دارد و بیان امر – آن‌هم به این شکل – نشان از قدرت و آگاهی فرد امر کننده دارد. از سوی دیگر، هیچ‌گاه فردی که در جایگاه پایین‌تر قرار می‌گیرد، از آن، در مورد مخاطب خویش که مقام بالاتری دارد، استفاده نمی‌نماید. به دیگر سخن، استفاده از آن به صورت یکسویه است؛ یعنی فقط مخاطب بالادست و برتر آن را به کار می‌گیرد. در ترجمه‌های انجام‌گرفته از دو نوع فرمان، به این نکته می‌رسیم که نویسنده‌گان، غالباً در برگردان عبارات خبری که متضمن مفهوم امر هستند، تقریباً شیوه‌ای واحد برگزیده‌اند و به جز مواردی اندک، استفاده از shall را به عنوان راهکار خویش برای ترجمه انتخاب کرده‌اند. استفاده از must & should هم، دیگر راهکارهای مورداستفاده آن‌ها است که البته با توجه به این که shall از نظر زمانی مربوط به «آینده» می‌شود و تابع زمانی ندارد، می‌تواند گزینه مناسبی باشد.

در ترجمه عبارات خبری دعایی که البته فعل ماضی در آن به کاررفته، شیوه مترجمان متفاوت بوده است. برخی از آنان وجهیت تمنایی (تمنا از خداوند) که در زبان انگلیسی غالباً از May برای بیان آن استفاده می‌شود، به کاربرده‌اند. برخی دیگر اما ترجیح داده‌اند که همان ساختار خبری را مورداستفاده قرار دهند.

۸- پی‌نوشت‌ها

۱- این مقاله مرتبط با طرح پژوهشی «گونه‌شناسی مطالعات کاربردشناختی و تحلیل گفتمانی قرآن» است که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حال اجراست.

2- modality / mood
5- Jussive

3- Indicative
6- locutionary act

4- Imperative
7- illocutionary act

8- perlocutionary

9- objective modality

10- subjective modality

۹- منابع

منابع فارسی

- ۱- پهلوان نژاد، محمد رضا و رجب‌زاده، مهدی، «تحلیل متن زیارت‌نامه حضرت امام رضا بر پایه نظریه کنش‌گفتاری»، *فلسفه و کلام*، س، ۴۲، پاییز و زمستان، صص ۳۷ - ۵۴، (۱۳۸۹ش).
- ۲- ساجدی، ابوالفضل، «نظریه کنش‌گفتاری جان‌آستین و فهم زبان قرآن»، *قبسات*، پاییز، شماره ۲۵، ۱۲۲ - ۱۳۰، (۱۳۸۱ش).
- ۳- فضائلی، سیده‌مریم و نگارش، محمد، «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج‌البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»، *مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث*، س، ۴۳، بهار و تابستان، ص ۸۱ - ۱۱۸، (۱۳۹۰ش).

منابع عربی

- ۴- ابن جنی، *المنصف شرح كتاب التعریف* ج ۱، تحقيق ابراهيم مصطفى و عبدالله امين، قاهره: البابي الحلبي، (۱۹۵۴م).
- ۵- ابن حزم، *الإحکام فی أصول الأحكام* ج ۳، تحقيق احمد محمد شاكر، بيروت: دار الآفاق الحديثة، (۱۹۸۰م).
- ۶- بشير، جلول «التحويل الزمني لل فعل الماضي في العربية»، مجلة المخبر، شماره ۶، (۲۰۱۱م).
- ۷- بن فارس، ابی الحسین احمد، *الصاحبی فی فقه اللغة وسنن العرب فی كلامها*، بيروت: مؤسسة بدران للطباعة والنشر، (۱۹۶۳م).
- ۸- زركشی، محمد بن عبدالله بن بهادر، *البرهان فی علوم القرآن* ج ۳، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، القاهرة: مكتبة دار التراث، (۱۹۵۷م).
- ۹- زركشی، محمد بن عبدالله بن بهادر، *البحر المحيط فی أصول الفقه* ج ۲، تحقيق: محمد محمد تامر، قاهره: دار الكتب العلمية، (۲۰۰۰م).
- ۱۰- زمخشري، جار الله، *تفسیر الكشاف* ج ۱، تحقيق: خليل مامون شيخا، بيروت: دار المعرفة، (۲۰۰۲م).

- ١١- سیوطی، جلال الدين، *قطف الازهار في كشف الاسرار* ج ١، قطر: وزارة الاوقاف والشؤون الإسلامية، (١٩٩٤م).
- ١٢- سیوطی، جلال الدين، *الاتقان في علوم القرآن* ج ٢، تحقيق: محمد سالم هاشم، بيروت: دار الكتب العلمية، (٢٠٠٣م).
- ١٣- سیوطی، جلال الدين، *الدر المنشور في التفسير بالمنثور* ج ٥، القاهرة: مركز هجر للدراسات العربية والإسلامية، (٢٠٠٣م).
- ١٤- شاكر مجید، محمود، «ورود صيغة الخبر بمعنى الأمر والنهي عند الأصوليين». *مجلة جامعة تكريت للعلوم الإنسانية*، شماره ٩، (٢٠٠٨م).
- ١٥- شوکانی، محمد بن على، *فتح القدير* ج ١، بيروت: دار الكثير، (٢٠٠٧م).
- ١٦- شیخ الطوسی، *تهذیب الأحكام*، بيروت: دار التعارف، (١٤١٠هـ).
- ١٧- عطار، حسن، *حاشیة العطار على جمع الجواجم* ج ٢، بيروت: دار الكتب العلمية، (بی تا)
- ١٨- قرطبي، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن* ج ٢، تحقيق: صدقی جميل و عرفان العشا، بيروت: دار الفكر، (١٩٩٩م).
- ١٩- کفوی، ابی البقاء ایوب بن موسی، *الكلیات: معجم فی المصطلحات والفرق لالغویة*، تحقيق: عدنان درویش و محمد مصری، دمشق: مؤسسة الرسالة، (١٩٩٨م).

منابع لاتین

- 20- Abdul-Raof, Hussein, *Arabic Rhetoric: A Pragmatic Analysis*, NY: Routledge. (2006)
- 21- Asprey, Michele, *Plain Language for Lawyer*, Annandale NSW: The Federation Press. (2003)
- 22- Austin, J. L, *How to do Things with Words*, Oxford: Clarendon. (1962)
- 23- Boyer L. James, "A Classification of Imperatives: A Statistical Study", *Grace Theological Journal* 8(1): 35 – 54. (1987)
- 24- Brown, P., and Levinson S.C., *.Politeness: Some universals in language usage*, Cambridge: Cambridge University Press. (1987)
- 25- Bussmann, Hadumod, *Routledge Encyclopedia of Language and Linguistics*.Translated and edited by Gregory P. Trauth and Kerstin Kazzazi, London and New York: Routledge. (1996)
- 26- Drumwright H. L, *An Introduction to New Testament Greek*, Nashville: Broadman. (1980)
- 27- Halliday, M.A.K., *An Introduction to Functional Grammar*, London: Arnold. (1994)

- 28- Head, E. W, "Shall" and" Will"; or, 2 chapters on future auxiliary verbs: to which are added, 1. An essay on certain affirmative and negative particles in the English language. 2. An essay on the provincial word" songle. Murray. (1858)
- 29- Longacre E. Robert, *Joseph: A Story of Divine Providence*, IN: Eisenbrauns. (2003)
- 30- Portner, P, *Modality* (Vol. 1), Oxford University Press. (2009)
- 31- Searle, J. *Corpus, Concordance, Collocations*, Oxford: Oxford University Press (1969)
- 32- Shulman Ahouva, "Imperative and Second Person Indicative Forms in Biblical Hebrew Prose", *Hebrew Studies* 42: 271-287. (2001)
- 33- Sturgis, James Wellings, *The Second Person Singular of the Latin Future Indicative as an Imperative*, London: Forgotten Books. (2013)
- 34- Walker-Jones, Arthur, *Hebrew for Biblical Interpretation*, GA: the Society of Biblical Literature. (2003)
- 35- Wallace, Daniel Baird and Buist, Martin Fanning, *Selected Notes on the Syntax of New Testament, Greek*: Grace Theological Seminary. (1981)
- 36- Warren-Rothlin A, "Politeness Strategies in Biblical Hebrew and West African Languages", *Journal of Translation* 3(1): 55-71. (2007)
- 37- Williams Christopher, *Tradition and Change in Legal English: Verbal Construction in Prescriptive Texts*, Bern: Peter Lang. (2005)